



آلنکازوپانچیچ

ترجمه‌ی
علی حسن زاده

چرا روانکاوی؟

سه مداخله



سرشناسه: زوپانچيچ، آلنکا، ۱۹۶۶-م. Zupančič, Alenka

عنوان و نام پدیدآور: چرا روانکاوی؟ سه مداخله / آلنکا زوپانچيچ / ترجمه‌ی علی حسینی

مشخصات نشر: تهران، نشر بان، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۱۳۳ صفحه. ۱۳ در ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۳۵-۸-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: **Why Psychoanalysis? Three Interventions, 2008**

یادداشت: کتاب‌نامه

موضوع: روانکاوی

موضوع: Psychoanalysis

شناسه افزوده: حسن‌زاده، علی، ۱۳۶۸-م. مترجم.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ج۴ / ۷۳ / BF۱۷۳

رده بندی دیویی: ۱۵۰/۱۹۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۴۶۵۱۹

النکا زوپانچیچ
چرا روانداکوی؟ سه مداخله

ترجمه‌ی:
علی حسن‌زاده

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: پاییز ۱۳۹۷
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: دفتر نشر بان (پریا اسماعیلی)
ویراستار: فرهاد اکبرزاده

شماره:
۱،۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی:
طاووس‌رایانه
چاپ:

منصور

صحافی:

کیا پاشا

مدیر هنری:
امید نعم‌الحبيب / استودیو ملی

طراح گرافیک:

مهدی قاسمی

مرکز پخش:

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت

پلاک ۱۳۴۰، ۶۶۴۶۷۳۳۳-۲۱

فروش اینترنتی:

www.agahbookshop.ir و www.baan.pub

instagram.com/baanpublishers

۱۶،۰۰۰ تومان

کاغذ بالک، همراه طبیعت



فهرست

۹	درآمد
۱۷	۱. جنسیت و هستی‌شناسی
۴۰	۲. آزادی و علت
۶۰	۳. کم‌دی و امر غریب
۹۳	یادداشت‌ها
۱۰۱	پیوست
۱۲۹	نمایه

درآمد

از زمانی که فروید روانکاوی را بنیاد نهاد، روانکاوی در عرصه‌ی خود خوب جا افتاده است — یا چنین به نظر می‌رسد با این‌همه اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، این اظهار نظر به سبب دلیلی بنیادین، که فی‌نفسه بسیار حائز اهمیت است، بی‌درنگ قطعیت خود را از دست می‌دهد: هرچه بیش‌تر نگاه می‌کنیم این نه عرصه‌ی روانکاوی دقیقاً چیست روشنی خود را بیش‌از بیش از دست می‌دهد. با این‌مونه، از همان آغاز، روانکاوی با بحث‌هایی بر سر این‌که محدوده‌اش بیشتر در قلمرو علوم طبیعی قرار دارد یا در قلمرو فلسفه و علوم فرهنگی احاطه شده بود، دست و پایی نداشت و هم‌زمان به فروید حمله کردند: برخی به مخالفت با «زیست‌شناسی»^۱ او و «علم‌باوری»^۲ وی برخاستند، درحالی‌که دیگران به «نسبی‌گرایی فرهنگی» او و آن دسته از نظریه‌های^۳ تاختند که به فراسوی موقعیت‌های بالینی می‌رود.

1. biologism

2. scientism

3. speculations

و این بحث به هیچ روی فیصله نیافته یا این مسئله حل و فصل نشده است. با وجود این، صرف نظر از این که این انتقادات تا چه پایه به برخی از مسائل مفهومی جزئی وارد بودند (یا هستند)، آدمی هرگز نباید این امر را نادیده بگیرد که یک بُعد عمده‌ی اکتشاف فروید دقیقاً هم‌پوشانی این دو قلمرو بود، دو قلمروی که به‌عنوان امر جسمی^۱ و امر ذهنی^۲ تعریف می‌شوند. اگر بتوان شیوه‌ی عام معناداری برای توصیف ابژه‌ی روانکاوی پیدا کرد، چه‌بسا دقیقاً همین باشد: ابژه‌ی روانکاوی منطقه‌ای است که در آن دو قلمرو پیش‌گفته روی هم می‌افتند، یعنی، آن^۱ که امر زیستی یا جسمانی^۳ پیشاپیش ذهنی یا فرهنگی است و آن‌جا که، در عین حال، فرهنگ از خودِ بن‌بست کارکردهای جسمانی‌ای می‌جوشد که می‌کوشد برطرف‌اش کند (با این‌همه، با این کار بن‌بست‌های تازه‌ای می‌آفریند). به بارت دگر — و شاید این مهم‌ترین نکته است — هم‌پوشانی مورد نظر ابتدا هم‌پوشانی در وجه^۴ کاملاً تثبیت‌شده («بدن» و «ذهن») نیست، بلکه فصل مشترکی است که، دو طرفی را که در آن روی هم می‌افتند پدید می‌آورد. فروید نه تنها خیلی زود دریافت که فرهنگ و ذهن تا چه حد گسترده‌ای قادرند بر بدن انسان اثر بگذارند، حتی آن را از دگر بندگان و به لحاظ جسمانی تغییر دهند، بلکه همچنین، و شاید مهم‌تر از این، دریافت باید چیزی در بدن انسان باشد که این امر را امکان‌پذیر می‌سازد. و این که این چیز نوعی تمایل فطری به فرهنگ و روحانیت/معنویت^۵، نطفه‌ای از ذهن یا روح^۶ در بدن‌های ما به ودیعه نهاده شده، نیست، بلکه چیزی است بسیار نزدیک به یک کژکاری زیست‌شناختی^۷، که از قضا به طرز عجیبی مولد است.

این مسئله که عرصه‌ی روانکاوی به‌معنای حقیقی^۸ که به‌حق چیست همچنین به فراسوی این ملاحظات بنیادین می‌گسترده و به شیوه‌ای مربوط می‌شود که

1. the physical

2. the mental

3. somatic

4. entity

5. spirituality

6. biological dysfunction

روانکاوی غالباً به نظر می‌رسد «به همه جا سرک می‌کشد»، «پا را از گلیم خود دراز می‌کند»، و به تمامی انواع عرصه‌ها یا «دیسپلین»‌های مختلف (فلسفه، دین، هنر، و نیز شاخه‌های گوناگون علم) دست‌اندازی می‌کند. به همین دلیل می‌توان یکی از مخالفت‌های همیشگی با روانکاوی را این‌گونه خلاصه کرد: ای کاش از عرصه‌ی خودش خارج نمی‌شد! و این بدین معناست: ای کاش از تیول^۱ خودش — از بخشی که در تناسب با بازشناسی اجتماعی‌اش بدان تخصیص یافته — خارج نمی‌شد! یا: ای کاش پا را از محدوده‌های کار درمانی و بالینی‌اش فراتر نمی‌گذاشت! این مخالفت آخر به‌ویژه در مورد ژاک لاکان به‌دفعات تکرار می‌شود، که سرسبانه از ماندن در محدوده‌های تیول روانکاوانه‌ی کار درمانی کدایی امتناع ورزید. او در این عرصه دستور^۲ فراخوانی را بازشناخت که از روانکاوان می‌خواهد خود را «تضییع کنند» روای بورژوا^۳ کنند، تعبیری که در سمینار خود در باب اخلاق روانکاوی^۴ به کار برد. روانکاوی، آن‌گونه که او می‌فهمد، ما را یاری نمی‌کند تا با مشکلات «مان» (مانند نمونه در رابطه با جامعه) کنار بیاییم، یا ما را یاری نمی‌کند تا ایدئال گنجینه‌ی سخن و تکینگی^۵ مان را پرورش دهیم. روانکاوی در ذات خود سویه‌ای اجتماعی از کثرت و تنقید دارد. روانکاوی هرگز صرفاً درباره‌ی افراد و مشکلات (کم‌وبیش خفیه) نیست — این‌ها، از همان آغاز، درون عرصه‌ی اجتماعی-نمادینی که لاکان «دیگری»^۶ اش می‌نامد حک‌و‌ثبت می‌شوند. در نتیجه، روانکاوی لاکانی هرگز به هدف درمان میسرکردن سازگاری اجتماعی موفقیت‌آمیز راضی نشده است. و نیز عمدتاً در باره‌ی پست‌مدرن سازگاری و هم‌رنگی اجتماعی مقاومت کرده است، که تحت این نام (به ظاهر متضاد) ترویج تکینگی و ناهم‌رنگی منحصر به فرد و بالارش تک‌تک افراشته می‌رود. روانکاوی لاکانی، در عوض، پافشاری می‌کند که محدوده‌ی نظری روانکاوی به بق

1. discipline

2. feud

3. imperative

4. *The Ethics of Psychoanalysis*

5. singularity

6. the Other

بالندگی نظریه‌ی سوژه، دانش، حقیقت، پیوند(های) اجتماعی و غیره‌ی خودش را دارد. این نکته تضاد شدیدی با موضع بسیاری از روانکاوان (و غیرروانکاوان) داشت، و کماکان دارد، کسانی که گمان می‌برند نظریه‌ی روانکاوانه تنها می‌تواند نظریه‌ی این یا آن سوژه یا مورد خاص باشد، و این که هرگونه مفهوم‌پردازی دیگر، جهان‌شمول‌تر، تنها می‌تواند راه به آب‌های گل‌آلود متافیزیکی به‌شدت مسئله‌دار ببرد. لاکان، که در این خصوص «هگلی» بود، همواره سر آن داشت که این نوع تقابل ساده (میان امر تکین^۲، یا امر ملموس^۳ و امر جهان‌شمول) خود به‌ذات متافیزیکی است و عاری از هرگونه اثر انتقادی یا براندازانه‌ی واقعی. و به‌راستی امروزه در بسیاری از جاها می‌توان دید که چگونه مواضع ضد جهان‌شمول، با واکه^۴ ایی تجربی انعطاف‌پذیرشان، کارآمدترین حافظان و نگهبانان نظام‌های اجتماعی-مصادی مسلط‌اند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، لاکان هرگز این امر را در نظر نداشت که هرگونه مفهوم‌پردازی حقیقی ذاتاً جهان‌شمول است، و البته این بدین معنا نیست که همه آن را می‌پذیرند. یک مفهوم‌پردازی چه‌بسا مناقشه‌آمیز باشد اما بدین کناره‌نهادن این مناقشه به‌واسطه‌ی تفکیک عرصه‌ی علم به شمار احتمالاً نامحرمی از دیسپلین‌ها، که هر یک حق دارند دعاوی حقیقت خود را داشته باشند، همان که درون مرزهای بخش‌بندی خود باقی بمانند و در دیگر بخش‌بندی‌ها مداخله نکنند، باید با این مناقشه همان‌گونه که هست مواجه شد و بر سرِ داووها^۵ ایش جنگیده.

دقیقاً به‌سبب پیش‌نهاده‌های مفهومی، بخش بالیده و ساختاریافته‌ی لاکان است که روانکاوی امروزه به‌طور گسترده‌ای در ساحت فلسفی معاصر درگیر و سرِ صحنه‌ی آن‌ها حاضر شده است. به‌رغم این اعلانی در سخنان لاکان که «روانکاوی فلسفه نیست»، او نظریه‌اش را پیوسته از فلسفه یارگی با فلسفه می‌پروراند. محدوده‌ی «سه مداخله» ای که در این جا عرضه می‌شود عمدتاً در

1. universal
2. the singular
3. the concrete
4. stakes

۵. بنگرید به دیدگاه رولان بارت در این باره در رولان بارت، نقد و حقیقت، ترجمه‌ی شیرین دخت دقیقیان، نشر مرکز، ۱۳۸۵، ص ۳۶-۳۸

۱۳ قلمرو این دیالوگ قرار دارد. هدف این «سه مداخله» بررسی، تحلیل و دفاع از برخی مفاهیمی است که روانکاوی به فضای مفهومی عمومی معرفی کرده است. من اصطلاح «مداخله» را برگزیدم چون سه فصل کتاب بدون ورود به جزئیات فقط اشاره‌ای کوتاه به سه عرصه‌ی گوناگون می‌کنند، عرصه‌هایی که فی‌نفسه بسیار گسترده‌اند: هستی‌شناسی (و نقد آن)، فلسفه‌ی عملی و زیباشناسی. با توجه به چشم‌انداز فراخ هر یک از این عرصه‌ها، فصل‌هایی که در ادامه می‌آیند به هیچ روی نمی‌خواهند آن‌ها را (از منظر روانکاوی) «پوشش دهند». در عوض، خطر می‌کنند و در نقاطی دقیق و خاص در آن‌ها مداخله می‌کنند. در نتیجه، مداخله‌ی یکم دو پرسش را پیش می‌نهد و پیرامون آن‌ها دور می‌زند: ۱. نظریه‌ی روانکاوانه‌ی جنسیت چیست؟ گویا همگان پاسخ این پرسش را می‌دانند و گویا مسئله به قدر کافی روشن است، اما قضیه ابتدا این نیست و باید این پرسش را پرسید و در آن بازنگری کرد. ۲. دربرداشته‌های نظریه‌ی روانکاوانه‌ی جنسیت (اگر اصلاً دربرداشته‌ای در کار باشد) برای هستی‌شناسی و نظریه‌های معاصر آن چیست؟ افزون بر این، دربرداشته‌های سیاسی ممکن این موضع روانکاوانه چیست؟

مداخله‌ی دوم بر مفهوم روانکاوانه‌ی «رابطه لاکانی» — علت^۲ تمرکز می‌کند، و این مفهوم^۳ را در رابطه با پنداره‌ی آزادی بررسی می‌کنند. گرچه این دو اصطلاح اغلب متعارض فرض می‌شوند، آن‌چه از مفهوم پرده‌پوشی لاکانی علت برمی‌آید نهایتاً منظومه‌ی بسیار گیراتری است که در آن پنداره‌ی علت اسباب تنگاتنگی با پنداره‌ی آزادی دارد.

مداخله‌ی سوم به رابطه‌ی عجیب و غریب میان دو پدیده‌ی زیباشناسی (و تأثرآمیز^۴) می‌پردازد، دو پدیده‌ای که، در عین تفاوت و حتی تضادشان، قریب به حجب

-
1. sexuality
 2. implications
 3. cause
 4. concept
 5. notion
 6. affective

و جالبی را از خود نشان می‌دهند: کم‌دی و امر غریب^۱ ('das Unheimliche'). وجه مشترک این دو، همان‌گونه که من بحث می‌کنم، فیگور مشخصی از هیج^۲ (یا خال^۳) است، که آن‌ها به دو شیوه‌ی متفاوت — از راه دو حالت‌مندی متفاوت افزونه یا مازاد^۴ — پیکربندی‌اش می‌کنند.

جنسیت، هستی‌شناسی، علت، آزادی، کم‌دی، وحشت — مطمئنم که این گزینش به‌آسانی خود را در معرض انتقادهای بیش‌تر از گستردگی عرصه‌ی روانکاوی به تمامی جهات قرار خواهد داد، اما همه‌ی این‌ها در واقع فقط راه‌های متفاوت پرداختن به یک و همان مسئله‌ی اساسی‌اند.

1. the uncanny (یا، امر آشنای غریب)

2. Nothing

3. void

4. excess or surplus